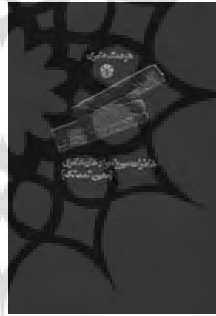


مشاهدات میرزا جوادخان عامری

● مسعود عرفانیان



■ از رضاشاه تا محمدرضا پهلوی: خاطرات میرزا جوادخان عامری (معین الممالک)

■ شنیده، پژوهیده و نوشته‌ی: دکتر هوشنگ عامری

■ مقدمه و مؤخره: دکتر محمدباقر عاقلی

■ تهران، ۱۳۸۸، شرکت مطالعات و نشر کتاب پارسه، ۴۲۴ صفحه

یکی از حوزه‌هایی که در سی سال اخیر و به‌ویژه در نیمه‌ی دوم آن بدان توجه شده، خاطره‌نویسی و چاپ خاطرات بازمانده از گذشته‌هاست. تا آنجا که امروزه اهمیت این نوشته‌ها بر هیچ اهل پژوهشی پوشیده نیست و هیچ پژوهشگری بی‌نیاز از مراجعه به این‌گونه نوشته‌ها نخواهد بود. البته اگر حوزه‌ی کاری او مربوط به زمانی که خاطره‌نویس آن را نوشته، باشد.

فراگتر ایران‌شناس نامی اتریشی درباره‌ی ویژگی خاطرات در مقایسه با دیگر منابع بر این باور است که این نوع نوشته‌ها «همواره مطالب زیادی از تجارب شخصی نویسنده در خود جای داده است. از آن‌جا که خاطره‌نویسان در رویدادهایی که شرح می‌دهند یا مستقیماً دخالت داشته یا حداقل از منابع دست اول استفاده کرده‌اند یا صرفاً دیده‌ها و شنیده‌های خود را نقل می‌کنند، گزارش‌های آن‌ها معمولاً از آشنایی و نزدیکی مؤلف به موضوع مورد بحث حکایت دارد.

به‌همین علت، حاوی اطلاعات و جزئیات قابل توجهی است که به سختی می‌توان آن‌ها را از منابع دیگر استخراج کرد. این جنبه‌ی مثبت کتب خاطرات از ویژگی منفی این‌گونه آثار، یعنی خصلت شخصی و غیر بی‌طرفانه‌ی گزارش می‌کاهد.»^۱ میرزا جوادخان عامری در سال ۱۲۷۰ خورشیدی در شهر سمنان زاده شد و پس از ۸۹ سال زندگی در دی‌ماه سال ۱۳۵۹ در شهر تهران درگذشت. او فرزند میرزا ابوالحسن خان معین‌الممالک از بزرگان و مالکان سمنان بود که نزدیک به پنجاه سال در خدمات دولتی به کار پرداخت و مدتی هم در دربار ناصرالدین شاه گذراند. میرزا جوادخان از پنج سالگی تحصیلات خود را در سمنان آغاز نمود و سپس دوره‌ی متوسطه را در مدرسه‌ی اقدسیه تهران به پایان برد و به مدرسه‌ی سیاسی وارد شد و با افرادی مانند علی اکبر سیاسی، میرزا ابراهیم‌خان - برادر دهخدا - عیسی بهنام و چند تن دیگر هم دوره بود. او سپس با سفر به پاریس، ادامه‌ی تحصیل خود را در فرانسه دنبال نمود و در سال ۱۲۹۴ ش / ۱۹۱۵ م به تهران بازگشت و از سال ۱۲۹۵ ش / ۱۹۱۶ م به درخواست مسیوپرنی (Adolphe Perney) مستشار عدلیه‌ی ایران، به‌عنوان معاونت مستشاری عدلیه، در انجام کارها به او کمک نمود. آغاز خدمات دولتی او نیز از همین‌جا بود. پس از شهریور ۱۳۲۰، جواد عامری پست‌های متعدد مهمی مانند وزارت کشور در کابینه‌ی دوم قوام در سال ۱۳۲۱، چهار دوره نمایندگی مجلس و عضویت در هیأت‌های رفع اختلاف داشت. آخرین سمت او سفیر کبری ایران در اتریش بود که از سال ۱۳۳۷ تا ۱۳۴۰ - زمان بازنشستگی او - به طول کشید. عامری صاحب تألیفاتی هم در زمینه‌ی حقوق بوده است. کتاب را هوشنگ عامری - که متأسفانه در هیچ کجای کتاب به نسبت او با میرزا جواد عامری اشاره نشده است - براساس شنیده‌ها، نوشته‌ها و پژوهش‌ها گردآورده است.

کتاب در هفت بخش تنظیم شده است:

«بخش اول: آخرین سال‌های سلسله قاجار»، «بخش دوم: دوران خدمت در عدلیه و کوشش در راه تجدد و حکومت قانون - و بازنشستگی از دادگستری نیم قرن بعد»، «بخش سوم: برآمدن رضاخان و سلطنت رضاشاه»، «بخش چهارم: دوران جنگ جهانی دوم و اشغال ایران»، «سنجش پنجم: رویداد سوم شهریور و پیامدهای آن»، «بخش ششم: دوران دولت‌های زودگذر ولی دموکراتیک»، «بخش هفتم: مجلس شورای ملی و مسأله‌ی نفت».

پس از مقدمه‌ای که در حقیقت در شناخت و معرفی میرزا جوادخان عامری و خانواده‌ی اوست، بخش نخست کتاب از آخرین سال‌های حیات ساسی دودمان قاجار آغاز می‌شود و دلایل شکل‌گیری مدرسه‌ی سیاسی و تأسیس آن در ۲۸ آذر

بوده‌اند، اما در عین حال از ویژگی‌های دموکراتیک - البته به‌عزم خاطرهنویسان - برخوردار بوده‌اند سخن گفته شده است. در این بخش که اختصاص به یکی از پرفراز و نشیب‌ترین ادوار تاریخی ایران، یعنی از ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ دارد، دولت با ۲۳ کابینه بر سر کار آمده‌اند و از سویی فعالیت گروه‌های سیاسی مانند حزب توده‌ی ایران در همین مقطع تاریخی شکل می‌گیرد و منجر به رویدادهای مهمی در تاریخ سیاسی کشور می‌گردد. ماجرای آذربایجان در ۱۳۲۴ و پیدایش فرقه‌ی دموکرات آذربایجان و حوادثی که در آن جا رخ داده از مطالبی است که خاطرهنویس به آن پرداخته و به‌نسبت دیگر بخش‌ها این قسمت مفصل‌تر است. روی کار آمدن دوباره‌ی قوام‌السلطنه بنا به تشخیص مجلس در سال ۱۳۲۴ و اقدامات او در رفع بحران آذربایجان یا سفر او به مسکو جهت دیدار با استالین که جواد عامری خود نیز در هیأتی که به همراه قوام به مسکو می‌رفته، حضور داشته، مذاکرات قوام و سانچیکف، فرمان انتخابات دوره‌ی پانزدهم مجلس شورای ملی، استقرار ارتش در آذربایجان، شکایت ایران به سازمان ملل، پایان ماجرا در آذربایجان و بازگشت آرامش نسبی در این نقطه استراتژیک از خاک ایران ادامه مطالب این بخش از کتاب است. بخش هفتم کتاب، که بسیار کوتاه هم هست، به بحث درباره‌ی مجلس شورای ملی و موضوع نفت می‌پردازد. نخست‌وزیری سپهبد رزم‌آرا، ترور او و روی کار آمدن حسین علاء و پس از آن نخست‌وزیری دکتر محمد مصدق و سپس دوره‌ی هفدهم قانون‌گذاری مجلس شورای ملی، کوشش شاه در رودرو قرار دادن عامری و مصدق، کودتای ۲۸ مرداد، نخست‌وزیری سرلشگر زاهدی و چند مطلب دیگر از رویدادهایی است که بسیار فشرده و مختصر به آن‌ها اشاره شده است. روشن نیست که چرا به این دوره و به‌ویژه به رویدادهای پیش و پس از کودتای ۲۸ مرداد که نقطه عطفی در تاریخ کشور ایران است، توجه نشده است. در پایان نیز «سخن آخر» به چاپ رسیده که در آن جا قید شده است که: «در این پژوهش به هیچ وجه قصد تمجید بی‌جا از کسی و یا نقد بی‌اساس از فردی دیگر نبوده است» (ص ۳۶۹). که البته با آن چه که در طول کتاب با آن روبه‌رو هستیم و به یک دو نمونه از آن اشاره شد، مغایر است.

در انتها نیز فهرست منابع و مأخذ و روزشمار تاریخ معاصر ایران از ۳ اسفند ۱۲۹۹ تا ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ - که از سوی نویسندگان تهیه گردیده - به کتاب اضافه شده است.

نکته‌ی دیگر اینکه این کتاب را به‌هیچ‌وجه نمی‌توان «خاطرات میرزا جواد خان عامری» نامید، چرا که دست کم ما در ایران برای خاطرات تعریف مشخص و معینی داریم. فراهم آوردگان این کتاب براساس شنیده‌هایی از میرزا جوادخان عامری به منابع و مأخذ متعددی مراجعه کرده و پس از مستندساختن آن‌ها، به ذکر آن مطالب پرداخته‌اند. در بیشتر صفحه‌های کتاب اشارات به این منابع و مأخذ دیده می‌شود که هیچ ارتباطی به میرزا جوادخان عامری نداشته است.

بهرتر این بود که نویسنده‌ی این خاطرات، عبارت «مشاهدات و خاطرات میرزا جواد خان عامری (معین‌الممالک)» را از روی کتاب برمی‌داشت و به همان «شنیده، پژوهیده و نوشته‌ی دکتر هوشنگ عامری» بسنده می‌نمود تا خواننده تکلیف خویش را با کتاب بداند.

پی‌نوشت

۱ - برت گ. فراگز: خاطرات نویسی ایرانیان، ترجمه محمد جلیلود رضایی، تهران، ۱۳۷۷، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، صص ۶-۷.

۱۲۷۸ گفته می‌شود. سپس پیرامون ادامه‌ی تحصیل میرزا جوادخان در پاریس اشاراتی شده و آنگاه وضعیت ایران در پیش از کودتای ۱۲۹۹ و تلاش‌های دولت‌های بیگانه به ویژه انگلیسی‌ها در عقب نگاه داشتن کشورهایی چون ایران به جهت دستیابی به منابع ثروت این کشورها، اوضاع ترکیه و روی کار آمدن مصطفی کمال پاشا و دیدار رضاشاه از آن کشور و تأسیس انجمن ایران جوان بررسی شده است.

در بخش دوم، جریان ورود عامری به عدلیه از زبان خود او نقل شده است. در این بخش خدمات «آدولف پرنی»، مستشار عدلیه‌ی ایران که در دوران ریاست وزرایی میرزا حسن خان مشیرالدوله به استخدام دولت ایران درآمده بود شرح داده شده و سپس مطالبی درباره‌ی تیمورتاش، نصرت‌الدوله و علی‌اکبر داور و نقش آنان در به قدرت رساندن رضاخان نقل گردیده است. جو حاکم بر وزارت عدلیه در دوران رضاشاه، عدلیه در دوران داور و پایان کار او و تیمورتاش و نصرت‌الدوله پس از کارهایی که در حق رضاخان انجام دادند، تصویب قانون سرجل احوال به همت خود میرزا جواد خان عامری و مأموریت او برای حل اختلافات مرزی با عراق و ریاست کمیسیون مرزی ایران و پاکستان، دیگر مطالب این بخش کتاب است. درباره‌ی قانون سرجل احوال آن گونه که در کتاب نوشته شده، میرزا جوادخان عامری به توصیه‌ی نصرت‌الدوله وزیر دقت عدلیه پس از مراجعه به وثوق‌الدوله، از او می‌خواهد تا برای خود نام فامیلی انتخاب کند. وثوق‌الدوله هم نام خانوادگی وثوق را برمی‌گزیند و خود میرزا جوادخان نیز فامیلی عامری را بر روی خود می‌گذارد. بخش سوم کتاب به برآمدن رضاخان و پادشاهی او اختصاص یافته است. در این بخش به نقش رضاخان و سید ضیاء در کودتای اسفند ۱۲۹۹ اشاره شده و سپس اقدامات آن دو در سرکوب مخالفین بیان شده است. سرکوب اسماعیل خان سیمکو، میرزا کوچک‌خان جنگلی، شورش حاج بابا اردبیلی، کلنل محمد تقی خان پسیمان و شیخ خزعل، امیر مؤید سواد کوهی، نایب حسین کاشی در میان سال‌های ۱۲۹۶-۱۳۰۴ خ از جمله رویدادهایی است که به آن‌ها پرداخته شده است. اما متأسفانه روشن نیست که نویسندگان و نقل‌کنندگان این خاطرات بر چه اساسی و پایه‌ی کلنل محمد تقی خان پسیمان و میرزا کوچک‌خان را در کنار نایب حسین کاشی و اسماعیل خان سیمکو قرار داده و آنان را «یاغی» نام داده‌اند (ص ۱۰۹) و باز در جایی دیگر از همین بخش، کلنل پسیمان را «گردنکش» (ص ۱۲۷) نامیده‌اند و به گونه‌ای سخن گفته و نوشته‌اند که گویا سرکوب آنان و از میان بردنشان در حد از بین بردن دشمنان ایران کاری درست و موجه بوده است؟! در ادامه‌ی این بخش به نقش قوام و اقدامات او، نخست‌وزیری مشیرالدوله، زمامداری سردار سپه و اقدامات او، رویارویی مدرس با رضاخان و سپس ماجرای ترور مدرس در ۱۳۰۵ خ، نخست‌وزیری متین دفتری و منصورالملک اشاراتی شده است.

بخش چهارم کتاب با شرحی درباره‌ی کودتای رشید عالی گیلانی - که طرفدار آلمان بوده است - در کشور عراق آغاز شده و آن‌گاه به تحولات داخلی در ایران و اشغال خاک ایران توسط متفقین پرداخته شده است. حمله‌ی آلمان به اتحاد جماهیر شوروی و پیامدهای آن و تأثیرش برای آن و کلیه‌ی تحولاتی که منجر به ترک ایران از سوی رضاشاه شد و موجب به قدرت رسیدن پسر او محمدرضا گردید، تغییرات در کابینه‌ها، کابینه‌ی محمدعلی فروغی، انعقاد پیمان سه‌جانبه میان ایران، شوروی و انگلیس در ۹ بهمن ۱۳۲۰ / ۲۹ ژانویه ۱۹۴۲، از دیگر مواردی است که در این بخش به طور فشرده به آن‌ها پرداخته شده است. در بخش ششم، درباره‌ی دولت‌هایی که هر کدام عمر چندانی نداشته و زودگذر